

جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس

*عبدالرسول دینانی **معصومه براهیم باستانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۶

چکیده

مقاله پیش رو در مقام مقایسه عملکرد حقوق ایران و انگلستان در رابطه با جبران خسارت بدنی برآمده و به هدف مشترک دو نظام دایر بر جبران خسارت وارده و جلب رضایت زیان دیده، و اعاده وضع پیشین زیان دیده است. اما در حقوق این دو کشور انواع مختلف ضررهای مادی و معنوی و جسمی با روش واحدی قابل جبران نیستند. به علاوه در نظام حقوقی انگلستان، مبلغ معینی برای جبران تمام خسارات بدنی در نظر گرفته نشده و جای خود را به ارزیابی موردی خسارت جانی داده که تعیین میزان این خسارت بر اساس موقعیت و ویژگی های زیان دیده و اوضاع و احوال هر مصدوم به طور ویژه تعیین می شود و هنوز معیار مشخص و معینی برای جبران این خسارات وجود ندارد. این در حالی است که حقوق ایران مبلغ ثابتی در همه انواع خسارات بدنی اعم از خسارات عمدی و غیر عمد تحت عنوان دیه در نظر گرفته است.

واژگان کلیدی: دیه، خسارت مالی، خسارت غیرمالی، مسئولیت زیان دیده، مجازات فاعل جرم

مقدمه

انسان از لحظه آفرینش به عنوان اشرف مخلوقات در نزد پروردگار آن چنان ارج و قدر داشت که پروردگار عالم از روح خود در او دمید و آن چنان آدمی را گرامی داشت که تمامی جن و ملائک در مقابل انسان سر سجده فرود آوردند. خداوند به انسان قدرت تفکر و تعقل و اختیار بخشید ولی انسان را به حال خویش رها ننمود و او را در برابر احترام به حیات یکدیگر مسئول قرار داد. همان گونه که خلقت انسان امری خارج از اراده انسان های دیگر است، اختیار مرگ و حیات او نیز در دست دیگران نیست. انسان ها نیز در راستای پیروی از فرمان الهی و دستورات اخلاقی، جان یکدیگر را محترم دانسته و قوانین جاری را بر همین مبنا استوار ساخته اند. بحث قابلیت جبران خسارات از دیرباز جزء موضوعات جنجال برانگیز حقوق تمام کشورها بوده و اهمیت ویژه بدان داده شده است زیرا هر کس زیانی به دیگری وارد نماید، صرف نظر از نوع آن (مالی، معنوی، بدنی و جانی) در صورت جمع بودن دیگر شرایط (فعل زیان بار، ورود ضرر و رابطه سببیت) مکلف به جبران کامل همه خسارت می باشد. شخصی که از فعل زیان بار متضرر شده می تواند جبران خسارت وارد آمده را خواستار شود. الزام به جبران خسارت تا اندازه ای اثر تأدیبی بر خطاکار دارد و در عین حال تا حدودی زیان دیده آن را التیام بخش صدمه ای می داند که به او وارد شده است. علاوه بر این، حکمی که خطاکار را ملزم به جبران خسارت می کند، ممکن است خطاکار و دیگران را از ارتکاب آن فعل زیان بار در آینده باز دارد. سرانجام این که الزام به جبران خسارت عموماً مانع از آن می شود که عامل زیان، منفعتی را از طریق فعل زیان بار ارتکابی به دست آورد. النهایه، این جبران خسارت که به عنوان امر مسلم مورد پذیرش نظام های حقوقی است، حسب یک نظام با نظام دیگر متفاوت می گردد و در این ارتباط تفاوت آشکاری بین نظام حقوق انگلیس با نظام ایران که برگرفته از فقه امامیه است دیده می شود که این مقاله در صدد روشن کردن آن است.

بخش اول: مفهوم صدمات بدنی و قوانین مرتبط با آن در حقوق ایران و انگلیس

در این بخش ابتدا در مبحث اول با معنای لغوی و اصطلاحی صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس آشنا می شویم و آنگاه در مبحث دوم به بررسی قوانین حقوق ایران و انگلیس در رابطه با این نوع خسارت می پردازیم.

مبحث اول: معنای لغوی و اصطلاحی صدمات بدنی

خسارت در لغت به معنی ضرر کردن، زیان مندی، ضرر و زیان آورنده است، لیکن در معنای اصطلاحی، این واژه به دو مفهوم خسارت به معنای زیان وارد شده (ضرر) و خسارت به معنای جبران ضرر وارد آمده است. در عرف نیز این کلمه در معنای خسارت زدن و خسارت پرداختن استفاده می شود.^۱

ضرر در حقوق ایران به طور مطلق کاستی در نفس، عضو، آبرو یا مال تعریف شده است. لفظ ضرر که در مقابل نفع استعمال می شود، در لغت به معنای نقصان و زیان است. زمانی که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت اشخاص لطمه وارد آید، می گویند ضرری به بار آمده است. ضرر را می توان به سه نوع ضرر مادی، معنوی و بدنی تقسیم کرد. در رابطه با ضرر مادی باید گفت که در حقوق ایران اعم از قوانین مدنی و جزایی، ضرر مادی تعریف نشده است؛ ولی می توان ضرر مادی ناشی از ارتکاب جرم را این گونه تعریف کرد: «ضرر مادی عبارت است از کسر ثروت یا دارایی یا از بین رفتن مال یا منافع اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی به واسطه ارتکاب جرم». ضرر معنوی ناشی از جرم نیز عبارت از لطمه ای است که به یک حق غیرمالی اشخاص در اثر وقوع جرم وارد می شود؛ مانند از بین رفتن حیثیت و اعتبار یا صدمات روحی وارده بر شخص. در نهایت، ضرر بدنی حد واسط بین ضرر مادی و معنوی است. البته، در وقوع جرم غالباً ضرر معنوی با ضرر مادی توأم ایجاد می شود که مراد از ضرر بدنی هرگونه آسیبی است که بر تمامیت جسمی شخص وارد می شود و شامل شکستگی یا نقص عضو و از کار افتادگی یا فوت شخص می گردد.

اما در حقوق انگلستان برای معادل واژه خسارت از واژه Damage (در صیغه مفرد) استفاده شده است. ولی صیغه جمع کلمه Damages به معنای توان یا غرامت پولی است که در مقام جبران ضرر یا زیان های وارده به شخص یا اموال او در اثر ارتکاب يك فعل یا ترك فعل غیرقانونی یا عمل خطاکارانه حکم به پرداخت آن می شود. البته برای خسارات بدنی عموماً واژه injury و یا بعضاً loss مورد استفاده قرار می گیرد. در انگلیس جبران خسارت عبارت است از پرداخت مبلغی پول یا غرامت که به واسطه طرح دعوا و صدور حکم به نفع خواهان قابل مطالبه و دریافت می باشد. این معنا در عبارت یکی از مؤلفان به نام حقوقی انگلستان، به این شرح توصیف شده است: «توصیف موسع زیان شامل هرگونه صدمه به شخص یا شخصیت یا اموال خواهان می شود. مفهوم صدمه به شخص واضح است و نیاز به توضیح ندارد، اما لطمه وارده به شخصیت شامل ایراد آسیب به احساسات، حیثیت و شهرت فرد می شود. ایراد زیان به اموال خواهان شامل صدمه به اموال خاص و موجود او یا به طور کلی لطمه به دارایی یا وضعیت مالی شخص می باشد.»^۳

مبحث دوم: قوانین مرتبط با صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس

الف: قوانین ایران

در حقوق ایران هر چند قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ حکمی راجع به جبران خسارات بدنی نداشت، اما پس از پیروزی انقلاب سه قانون حدود و قصاص، دیات و کلیات در سال ۱۳۶۱ و در سال ۷۰ با اصلاحاتی در یک قانون جمع و از تصویب مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام گذشت و عنوان قانون مجازات اسلامی به خود گرفت. قسمت دیات این قانون عمدتاً به خسارات بدنی مرتبط است. در سال ۷۵ قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده به قانون مزبور اضافه شد و نهایتاً در سال ۸۶ برای تصویب یک قانون جامع، لایحه مجازات اسلامی شامل کلیات، حدود، قصاص و دیات از سوی قوه قضاییه تهیه و پس از جرح و تعدیل زیاد در کمیسیون های مجلس و دولت و شورای نگهبان نهایتاً قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۹۲/۲/۱ به تصویب رسید. کتاب چهارم این قانون مشتمل بر مواد ۴۴۸ به بعد به طور اخص به بحث دیات اختصاص پیدا کرده است.

دومین قانون مرتبط در این زمینه قانون مسئولیت مدنی است مصوب ۱۳۳۹ به طور عمده از قانون تعهدات کشور سوئیس و قانون مدنی کشور آلمان اقتباس گشته و مشتمل بر ۱۶ ماده است. تدوین کنندگان این قانون بر آن بوده اند که مقررات قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ در زمینه ضمان قهری را تکمیل کنند. در ماده یک قانون مزبور آمده است: «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد». به طور کلی می توان گفت که به موجب این قانون هرگونه ضرر اعم از مادی و معنوی مسئولیت آور بوده و وارد کننده آن موظف به جبران می باشد. به موجب مواد ۱، ۲، ۵ و ۶ قانون فوق در مواقع بروز صدمات بدنی خسارت هایی که متوجه شخص آسیب دیده می شود قابل مطالبه هستند؛ این خسارات شامل هزینه معالجه، خسارت از کار افتادگی، افزایش مخارج زندگی، خسارت معنوی می باشند.

ب: قواعد موجود در نظام انگلیس

می دانیم که حقوق انگلیس از نظام حقوقی کامن لا که به نظام رویه قضایی و سابقه قضایی هم معروف است تبعیت می کند و این حقوق اساساً ساخته دست قضات است و نه لزوماً قوه مقننه و یا اقدامات اجرایی قوه مجریه. قاضی در این نظام حقوقی به هنگام مطرح شدن دعوای جدید و در مواردی که طرفین در ماهیت دعوی اختلاف دارند، به جای استفاده از مواد قانونی و اصول کلی حقوقی به مقایسه عناصر دعوی مطرح شده با دعوای رسیدگی شده قبلی با استفاده از «فن تفکیک» می پردازد و در صورت شباهت بین عناصر دو دعوی، حکم مشابه صادر می نماید. در غیر این صورت، اگر قاضی تشخیص دهد که دعوی مطروح اساساً با دعوی سابق متفاوت است، از آن قاعده عدول کرده و رأی جدید صادر می کند و چه بسا این رأی رویه جدیدی ایجاد نماید.^۲ بنابراین، در حقوق انگلیس اساساً قانون خاصی به شیوه معمول در نظام رومی ژرمنی که حقوق ما از آن تبعیت می کند وجود ندارد و ما ضرورتاً این حقوق را از لایه لای آرای گوناگون در پرونده های مختلف استخراج می کنیم.

بخش دوم: انواع خسارات ناشی از صدمات بدنی

صدمات جانی از طرفی منجر به خسارات غیرمادی مجنی علیه می شود و از طرف دیگر در پی ورود این صدمات معمولاً خسارات مادی و اقتصادی بر مصدوم تحمیل می شود، که از نظر ماهیت و قابلیت ارزیابی با خسارات غیرمادی متفاوت است. بنابراین، از طرفی، خسارات معنوی و غیرمادی (از جمله ناراحتی تحمل صدمه و دردهای ناشی از آن، محرومیت موقت یا دائم از عضو، کسر زیبایی، عدم توانایی پرداختن به تفریحات و ورزش) که قابل اندازه گیری مادی و پولی نیستند و از طرف دیگر، خسارات مادی و اقتصادی که در پی صدمات جانی ایجاد می گردد، قرار دارد. این خسارات شامل هزینه درمان، تلف منفعت کاری و از کارافتادگی، هزینه های استخدام دیگری برای مراقبت و پرستاری دائم یا موقت از زیان دیده بوده و طبیعتی کاملاً مادی و مالی دارند لذا قابل اندازه گیری و جایگزینی با پول می باشد.

مبحث اول: خسارات معنوی ناشی از صدمات بدنی

الف: خسارت معنوی وارده به شخص

مقصود از ضرر معنوی خسارتی است که چهره مالی و اقتصادی ندارد و به حقوق مالی و دارایی شخص صدمه نمی زند، ولی سبب رنج اخلاقی و لطمه به حقوق غیرمادی او می شود. در اینجا بررسی می کنیم که آیا قوانین ایران و انگلستان خسارت معنوی را قابل جبران می دانند؟

برخی معتقدند که زیان معنوی قابل جبران نیست؛ چون این امور ملموس نیستند، دادرسی نمی تواند میزان آن را تعیین و خطاکار را به جبران آن به نحو مناسبی محکوم سازد. برخی دیگر معتقدند دیه می تواند از جمله نقش معادل سازی خسارات غیراقتصادی ناشی از خسارات جانی را به خوبی ایفا کند، همان طور که گفته شد، این خسارات به علت غیرمادی بودن با هیچ منطقی قابل ارزیابی و معادل سازی با معیار مادی و مالی نیست و هر راه حلی که توسط قضات یا قانونگذاران برای تعیین معادل مالی این خسارات غیرمادی پیشنهاد شود قابل ارزیابی علمی نیست.^۲ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت از ضرر و زیان های معنوی و لزوم جبران آن نام برده شده است و مطابق قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ متضرر از جرم می تواند از دادگاه جزا محکومیت مجرم را به جبران ضرر و زیان معنوی خویش بخواهد، اما هر چند متأسفانه نه در قانون قدیم مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و نه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ هیچ اشاره ای به قابلیت یا عدم قابلیت جبران خسارات معنوی نشده اما خوشبختانه تا حدی این نقصان با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۳ در ماده ۱۴ برطرف گردید. ماده ۱۴ این قانون به صراحت علاوه بر قابل مطالبه بودن خسارات معنوی مبادرت به ارائه تعریفی تقریباً مشابه با ماده ۲ و ۱۰ (ق.م.م.) نموده است. هر چند هنوز لزوم وجود یک قانون ماهوی راجع به جبران خسارات معنوی در قانون مجازات اسلامی به وضوح دیده می شود اما باید به هر حال اقدام قانونگذار را در وارد کردن اصل امکان خسارات را هر چند در ضمن یک قانون شکلی ستود. علی هذا در وضعیت کنونی خسارات معنوی قابل مطالبه اند و از آن جا که این صدمات روحی در افراد با توجه به شخصیتشان یا بسته به زن یا مرد، پیر یا جوان بودنشان متفاوت است، تعیین میزان آن باید بنا حسب نظر کارشناس ارزیابی گردد.

در نظام حقوقی انگلیس دعوای مربوط به لطمه به احساسات و رنج روحی ناشی از ترس و اضطراب و تحقیر، از دست دادن توانایی سازش با شرایط زندگی و تجاوز به شخصیت و حقوق مربوط به شخص، مورد پذیرش قرار گرفته است. به طور مشخص از قرن نوزدهم، جبران اینگونه خسارت ها در ابعاد مختلف از جمله صدمات جسمی و درد و رنج بدنی پیش بینی شده و رأی دادگاه استیناف در سال ۱۹۶۲ و مجلس اعیان در سال ۱۹۶۴، مبنای جبران خسارت معنوی در صدمات روحی و از دست دادن تعادل فیزیکی محسوب می شود. در نظام حقوقی این کشور صرف صدمات روحی، قابل جبران نیست و جبران خسارت را تنها در شکست های عصبی و اختلالات روانی مجاز می داند. بنابراین، هر صدمه روحی و عصبی یا غم و اندوه عادی، ضرر قابل جبران به حساب نمی آید و تنها لطامات روحی و عصبی قابل جبران هستند که از سنگینی ویژه ای برخوردار

باشند به نحوی که از نظر روانپزشکی بر اساس اسناد و مدارک ارائه شده در حد بیماری روحی و روانی به شمار آید این خسارات برای هر کس به طور جداگانه با توجه به عوامل متعددی مانند سن و شخصیت اجتماعی و با توجه به نظر کارشناس در نظر گرفته می‌شود. ۱.

البته از اینگونه خسارات بعضاً تحت عنوان دیگری به نام خسارات غیرمالی نیز یاد شده است. ۲ این خسارات تحت دو عنوان عمده طبقه بندی شده اند هر چند بعضی از دادگاه ها عناوین دیگری نیز اضافه نموده اند این ۲ عنوان به قرار زیر اند:

- خسارات در قالب درد و ناراحتی: ۳ هر چند این نوع خسارت قابل اندازه گیری با پول نمی باشد، با این حال دادگاه ها چنین خسارتی را قابل تقویم محسوب نموده است؛ و اعلام داشته که این خسارات در موردی که شخص در بیهوشی به سر می برد، قابل مطالبه نمی باشد. ۵.

- خسارت در قالب محرومیت از مواهب زندگی: ۶ در صورتی که خواهان از مواهب زندگی در زمینه های مختلف آن محروم شود مستحق مطالبه خسارت خواهد بود. این خسارات شامل عدم توانایی در راه رفتن و دویدن، بازی فوتبال، نواختن پیانو و ... می‌باشد. ۱ اگر حادثه زیان بار موجب به گما رفتن یا زندگی نباتی خواهان شود، در این صورت خوانده ملزم به پرداخت حداکثر خسارات مذکور بابت محرومیت از همه مواهب زندگی خواهد بود. ۲ از جمله این مواهب می توان به حق هم نشینی اشاره کرد که هرگونه اختلال در آن موجب مسئولیت می گردد. ۳ این نوع خسارت شامل خسارات ناشی از تمتعانی است که زوجین از یکدیگر دارند، از قبیل روابط عاطفی، همکاری مشترک و روابط زناشویی. ۴

در حقوق انگلستان بنابر پذیرش اصل لزوم جبران کلیه خسارات جانی وارد به مصدوم، تعیین شاخص و مبلغ واحد برای همه خسارت دیدگان منتفی شده و در هر مورد می‌بایست خسارت جانی وارده را با توجه به اوضاع و احوال شخصی و حرفه ای و موقعیت مصدوم تعیین شود. ۵.

در حال حاضر ارزیابی خسارت معنوی ناشی از صدمه بدنی به وسیله دادگاه بر اساس تعرفه های غیررسمی صورت می گیرد. این امر موجب صدور آراء مختلف در این خصوص شده که لزوم ارایه تصویب قانونی برای ایجاد رویه واحد با تعرفه های مشخص قانونی و نیز افزایش مبالغ خسارت قابل مطالبه در سال های اخیر گردید. ۶ بدیهی است در صورت تصویب این قانون و ارایه تعرفه مشخص در این خصوص موجب کاهش اختلاف آرا و پایان دادن به تعرفه های غیررسمی در تعیین خسارت خواهد گردید.

برای نمونه در سال ۱۹۸۵ دادگاه استیناف در دعوی *Croft V. Burnett*، هزار لیره برای درد و رنج بدنی و از دست دادن تعادل فیزیکی زیان دیده، تعیین نمود که در موارد مشابه به عنوان یک مبنای غیررسمی در تعیین خسارات مورد توجه قرار می گیرد و همچنین در رابطه با قطع پا یا سایر اعضا مبلغی بین ۳۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ لیره برای درد و رنج و محرومیت از عضو مزبور و برای صدمات شدیدی چون فلج شدن بدن تا ۱۲۵۰۰۰ لیره حکم صادر می شود و هر چند سال بر حسب تغییر شرایط اقتصادی تغییر می یابد. ۱

ب: خسارت معنوی نزدیکان و بستگان مصدوم

متأسفانه در قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی هیچ اشاره ای به قابلیت یا عدم قابلیت جبران این خسارات نشده است، این در حالی است که بسیاری از دعاوی که در کشورهای اروپایی اقامه می گردد و در آن ها مطالبه خسارت معنوی می شود، ناشی از آلام روحی بر مرگ خویشاوندان می باشد که بر مبنای عشق و علاقه ای است که خواهان نسبت به متوفی دارد. دایره کسانی که می توانند مطالبه اینگونه خسارت معنوی را بنمایند در بعضی قوانین وسیع تر و در بعضی دیگر تنگ تر است. چنان که در بعضی قوانین فقط خویشاوندان عمودی و نزولی و زوجین و در بعضی قوانین دیگر علاوه بر آن ها برادر و خواهر متوفی نیز حق مطالبه خسارت معنوی را دارند. ۳

در حقوق انگلستان از بابت فقدان متوفی، صرفاً خویشاوندان نزدیک مستحق دریافت خسارت می باشند. در این ارتباط بخش یک از قانون حوادث کشنده (۱۹۷۶) مقرر داشته قانوناً به پدر و مادر میت در صورتی که مجرد باشد یا به همسر در صورتی که متأهل باشد، از بابت فقدان فرزند یا همسر، مبلغ ۱۰۰۰۰ پوند پرداخت می گردد. این مبلغ ثابت بوده و از سال ۲۰۰۲ میزان آن از ۷۵۰۰ پوند به ۱۰۰۰۰ پوند افزایش پیدا کرده است. ۱

این خسارات زمانی قابل جبران هستند که اولاً در نتیجه مرگ مجنی علیه، ورود آسیب روانی به خواهان به طور متعارف قابل پیش بینی باشد؛ ثانیاً خواهان، خود حادثه یا عواقب آن را ببیند یا بشنود؛ ثالثاً خواهان یک رابطه نزدیک ناشی از عشق و عاطفه

با شخص زیان دیده داشته باشد. در صورت جمع شرایط بیان شده و احراز آن، خسارت ناشی از شوک عصبی به واسطه فوت نزدیکان و اشخاص مورد علاقه در حقوق انگلستان قابل مطالبه می باشد.^۲

در رابطه با جبران خسارت معنوی بستگان مصدوم در حقوق انگلستان، می توان به عنوان نمونه به پرونده *Fallon V. Bamment* رجوع کرد. که در یک تصادف رانندگی متوفی به شدت دچار سوختگی شده و یک ماه بعد از آن فوت نمود. دادگاه در خصوص خسارت معنوی ناشی از درد و رنج و از دست دادن تعادل در طول یک ماه حیات او، مبلغ ۱۰۰۰۰۰ لیره، حکم به وراث قانونی وی داد.^۳

فصل دوم: خسارات مالی ناشی از صدمات بدنی

عمده خسارات اقتصادی ناشی از خسارات جانی که به مصدوم وارد می شود هزینه‌های درمان و خسارات از کار افتادگی دایم یا موقت است. در کنار خسارت اخیر، خسارت اقتصادی از دست دادن درآمد وارد بر خانواده و افراد واجب النفعه یا متوفی نیز مطرح می شود که در این گفتار به آن می پردازیم.

الف: خسارت از کارافتادگی

از پیامدهای دیگر نقص عضو یا فوت نفس از دست رفتن منفعت و نیروی کار مصدوم است. از کارافتادگی یک امر نسبی است و بسته به نوع فعالیت و حرفه زیان دیده، متفاوت است. از کارافتادگی کلی و دایمی عبارت است از ناتوانی کامل در انجام هرگونه شغل یا فعالیت در اثر بیماری و یا حادثه از قبیل فقدان دید از دو چشم، قطع یا از کارافتادگی کامل و دایمی دو بازو، دو دست، دو ساق یا دو پا، فقدان یک دست و یک ساق و یا امراضی دماغی غیر قابل علاج که باعث اختلال کلی مشاعر می شوند. از کارافتادگی موقت به مفهوم از دست دادن موقت توانایی جسمی و یا روحی که فرد را از انجام وظایفش باز می دارد.

در ماده ۵ (ق.م.م) آمده است که: «اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگی او شود، وارد کننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است».

علاوه بر این ماده، ماده ۶ (ق.م.م) نیز مقرر می دارد: «در صورت مرگ آسیب دیده، زیان شامل کلیه هزینه ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می باشد. اگر مرگ فوری نباشد هزینه های معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کارکردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد».

از این دو ماده به خوبی می توان فهمید که خسارت از کارافتادگی در حقوق ایران قابل جبران است اما با توجه به اینکه در این کشور نهادی به نام دیه وجود دارد فرض جبران این خسارات در قالب دیه پیش بینی شده است ولی بهتر است در مواقعی که جانی به عمد در پی محروم نمودن زیان دیده از کسب درآمد و کار بوده، عدالت قضایی و حفظ هنجارهای اجتماعی و جلوگیری از رفتارهای مجرمانه ایجاب کند که خساراتی تحت عنوان تعزیر علاوه بر دیه توسط مجرم پرداخت شود و نحوه محاسبه آن بدین گونه باشد که در مورد افراد حقوق بگیر به میزان حقوق و مزایای مدت از کارافتادگی و در مورد مشاغل آزاد که محاسبه آن با مشکلاتی روبروست با در نظر گرفتن متوسط درآمد و اجاره منافع متعارف مصدوم ملاک قرار گیرد.

در حقوق انگلستان نیز فوت نیروی کار ضمان آور است و صدمه زننده مسئول جبران خسارت ناشی از بین رفتن نیروی کار مصدوم است و آسیب دیده حق دارد خسارت های ناشی از فوت و محروم شدن از آن جام کار را چه به نحو کلی یا به شکل جزئی و نیز خسارت ناشی از وخامت وضع اقتصادی آینده خود را از آسیب رساننده دریافت نماید، در قانون این کشور اینگونه است که تعیین مبالغ قابل پرداخت را با توجه به اوضاع و احوال هر مصدوم تعیین می کنند. بنابراین، از آنجا که نهادی به نام دیه وجود ندارد، در این ارتباط زیان دیده می تواند خسارت از کارافتادگی خود را از تاریخ صدمه دیدن تا تاریخ دادرسی و صدور حکم مطالبه نماید. این نوع خسارت جزء خسارت خاص و ویژه ناشی از صدمات جسمانی محسوب می شود که ارزیابی آن ها با مشکل چندانی مواجه نیست. همچنین در صورتی که به واسطه جراحات وارده به خواهان، او در آینده نتواند به فعالیت شغلی خود بپردازد، می تواند خسارت از کارافتادگی مربوط به آینده را نیز مطالبه نماید. این نوع خسارت جزء خسارت عمومی ناشی از صدمات جانی است که به لحاظ کمی و کیفی به شکل دقیق قابل تعیین و ارزیابی نمی باشد.^۱

ب: هزینه های درمان

هزینه های درمان ناظر بر ضررهای مادی است که در پی ایراد خسارت جسمانی و برای ترمیم صدمه بر زبان دیده تحمیل می شود. هزینه های درمانی شامل تمام هزینه های پزشکی اعم از حق العلاج پزشکی و حق العمل جراح و هزینه های بیمارستان حتی آزمایشات و فیزیوتراپی و سونوگرافی و غیره می باشد.

حال باید به این سؤال پرداخت که آیا ضمانت هزینه درمان را نیز می توان در کنار ضمانت به پرداخت دیه جمع نمود؟

عده ای معتقدند دیه دریافتی پوشاننده تمام خسارات از جمله خسارت های ناشی از درمان است و نمی توان مبلغی مازاد بر دیه دریافت کرد. اگرچه دیگر تجویز پرداخت هزینه درمان را به عنوان مازاد بر دیه قبول دارند. بنا به نظر آن ها، چنانچه بر اثر جنایت عمدی یا غیرعمدی، آسیبی به کسی وارد آید که موجب دیه شود، در صورتی که دیه تعیین شده از طرف شارع تکفوی هزینه های وارد شده را بنماید و خسارت های دیگری به مجنی علیه وارد نشده باشد، جانی صرفاً ملزم به پرداخت دیه می باشد ولی اگر بر اثر صدمات وارده به مجنی علیه، دیه تعیین شده هزینه های وارد شده را جبران نکند، به دلایل قاعده لاضرر، بنای عقلا و قاعده تسبیب و قاعده لاجرح و آرا و نظریات فقها،^۲ جانی مکلف به پرداخت خسارت های مالی می باشد.

به نظر گروهی دیگر، منطقی ترین راه آن است که دیه را به ازای خسارات دیگر لحاظ نموده و هزینه های درمان را به عنوان خسارت مالی مستقل از دیه در نظر بگیریم و حکم به قابلیت جبران آن بدهیم چه هزینه های مربوط، از میزان دیه اختصاص یافته بیشتر باشد و یا نباشد.^۳

ولی به نظر می رسد راه حل بهتر این است که باید به مجنی علیه این اختیار را داد که یا دیه را به عنوان جبران خسارت قبول کند یا درخواست اعاده وضعیت به حالت سابق را بخواهد یعنی مجنی علیه ملزم است یکی از این دو شیوه را انتخاب کند و این دو شیوه قابل جمع نمی باشند. در صورت انتخاب درخواست اعاده وضعیت به حالت سابق، این خسارات شامل تمام هزینه های درمان و مدت از کارافتادگی و خسارت های معنوی می شود، حتی اگر از میزان دیه بیشتر یا کمتر باشد؛ بدیهی است در صورت انتخاب این گزینه، خسارت مازاد بر دیه سالبه به انتفاء موضوع بوده و تعیین میزان این خسارات با دادگاه و پیرو نظر کارشناس خواهد بود. کارشناس باید در صورت ارجاع امر به او با توجه به هزینه های پزشکی مجنی علیه و محاسبه مدت از کارافتادگی، مبلغی نیز بابت خسارت معنوی تعیین و نهایتاً حکم عادلانه را با لحاظ تمامی این عناوین صادر نماید.

در نظام حقوقی انگلستان نیز هزینه درمان مصدوم از پیامدهای مالی مهم خسارت جسمانی محسوب می شود و صدمه زننده مسئول پرداخت هزینه درمان مصدوم شناخته شده است. در این نظام، ضمانت نسبت به هزینه درمان حکمی معقول و متعارف است. به عنوان مثال شخص دچار آسیب جسمانی که به بیمارستان مراجعه کرده و وادار به پرداخت هزینه های بسیار هنگفتی بابت درمان خود شده باید به حکم عدالت قضایی زیان رساننده را مسئول جبران این خسارات دانست.

ج: خسارت مالی وارده به بستگان مصدوم

یکی دیگر از پیامدهای مالی آسیب بدنی، خسارت مادی وارده به بستگان و خویشاوندان تحت تکفل و واجب النفقه مصدوم است. حکم ماده ۶ (ق.م.م.) مقرر می دارد: «... در صورتی که در زمان وقوع آسیب، زیان دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگهداری نماید و در اثر مرگ او، شخص ثالث از آن حق محروم گردد، وارد کننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب تا مدتی که ادامه حیات آسیب دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند...». در رابطه با جبران خسارات اقتصادی که به خانواده و افراد واجب النفقه شخص از کارافتاده وارد می شود باید گفت آن ها نمی توانند مطالبه ای مازاد بر دیه از این باب داشته باشند. در مورد فوت نیز از آن جا که مبلغ دیه به خانواده مجنی علیه پرداخت می شود، منطقی است این مال می تواند پرکننده خلاء وجود متوفی لحاظ شود. در خصوص خسارت از کارافتادگی بستگان مصدوم نیز بر همین اساس می توان استدلال کرد که در مواقعی که جانی به عمد در پی محروم نمودن زیان دیده از کسب درآمد و کار بوده است، عدالت قضایی و حفظ هنجارهای اجتماعی و جلوگیری از رفتارهای مجرمانه ایجاب می کند که به غیر دیه خسارت دیگری علاوه بر آن از مجرم گرفته شود.

در حقوق کشور انگلستان، در صورتی که مصدوم فوت شود یا در نتیجه آسیب وارده، قدرت انجام کار از او موقتاً یا دائماً سلب گردد، افرادی که او قانوناً موظف به اداره و تکفل آنها است، می توانند از آسیب رساننده تقاضای جبران خسارت ناشی از فوت منافعی کنند که اگر صدمه وارد نمی شد، از جانب مصدوم به آنها می رسید و صرفاً همسر، والدین و فرزند یا فرزندخوانده (در صورتی که حداقل به مدت دو سال با متوفی زندگی کرده باشد)، می توانند خسارت ناشی از محرومیت منافعی مصدوم نسبت به خویش را از صدمه زننده مطالبه نمایند. مقدار این خسارت از شخصی به شخص دیگر متفاوت است.^۱

در حقوق این کشور این موضوع ثابت است که دادگاه می‌تواند به بستگان میت یا مصدوم خسارت پرداخت کند، ولی ملاکی برای اندازمگیری آن ارایه نشده است. فقط یکی از قضات معیاری مطرح کرده که هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد و آن عبارت از منافع مالی متعارفی است که اگر آسیب به مصدوم وارد نمی‌شد، از زندگی یا قابلیت انجام کار او عاید بستگان وی می‌شد. ۲

بخش سوم: شرایط کلی جبران خسارت و بررسی نقش افراد دخیل در خسارت بدنی

رعایت قواعدی برای مطالبه خسارت ضروری است که در مبحث اول به بررسی این قواعد در حقوق ایران و انگلستان می‌پردازیم و در مبحث دوم نقش زیان دیده و فاعل زیان را در ورود خسارت بدنی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث اول: قواعد عمومی جبران خسارت بدنی

از آنجا که خسارت های بدنی مانند سایر خسارات از قواعد عمومی جبران خسارت تبعیت می‌کنند، بنابراین لازم است با این قواعد آشنایی پیدا کنیم. برای این که زیان دیده بتواند ضرر وارده به خود را مطالبه کند، باید شرایطی وجود داشته باشد که این شرایط را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف: وجود ضرر

اکثر نویسندگان شرایط ضرر قابل مطالبه را در سه عنوان مسلم بودن، مستقیم بودن و مشروع بودن ضرر خلاصه کرده اند؛ اما یکی از نویسندگان سه شرط دیگر را نیز به شرائط فوق افزوده است که عبارتند از جبران نشده بودن ضرر، قابل پیش بینی بودن ضرر و ناشی از اقدام خود زیان دیده نبودن ضرر می‌باشد. ۱

ب: فعل زیان بار

فعل زیان بار مانند ضرر باید شرایطی داشته باشد تا قابلیت جبران زیان را پیدا کند؛ از جمله این شرایط نامشروع بودن فعل زیان بار است (دفاع در صورتی که شرایط مندرج در ماده ۱۵۶ (ق.م.ا.) مصوب ۱۳۹۲ را نداشته باشد از موارد ایجاد مسئولیت است). اگر در مواقعی موجب معاف شدن عامل ورود زیان از جبران خسارت است مگر در مورد قتل که در تبصره ۱ ماده ۳۷۵ (ق.م.ا.) مصوب ۱۳۹۲ مکره قتل را به جز مواردی که عامل کودک یا دیوانه است از مسئولیت مبری نمی‌داند. حکم این ماده در خصوص غرور و تدلیس نیز قابل تسری است. در خصوص اضطرار باید گفت مضطر از تمامی آثار باقیمانده از عمل خود مصون نمی‌ماند. ماده ۱۵۲ (ق.م.ا.) مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن مؤید این مطلب است. در خصوص فعل زیان بار، اثر رضایت زیان دیده در خسارت بدنی و صدماتی است که به شخصیت و آزادی انسان ها لطمه وارد می‌کند. باید گفت هیچ تردیدی در خصوص بی اثر بودن این رضایت وجود ندارد چون زمانی که انسان در صدمه وارد کردن به جان خود هیچ اختیار و حقی ندارد چطور می‌تواند به دیگران اجازه چنین کاری را بدهد.

ج: رابطه سببیت میان فعل زیان بار و ضرر وارده

برای تحقق مسئولیت باید احراز شود که بین ضرر و فعل زیان بار رابطه سببیت وجود دارد، یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده باشد. این احراز رابطه علیت بین دو پدیده موجود یعنی فعل زیانبار و خسارت (ضرر) است.

در حقوق انگلستان نیز برای این که زیان دیده بتواند ضرر وارده به خود را مطالبه کند، باید این سه شرط وجود داشته باشد یعنی فعل زیان بار و ضرر و رابطه سببیت؛ اما در رابطه با فعل زیان بار در حقوق این کشور باید گفت برای این که فرد مسئول شناخته شود باید مرتکب یک عمل عمدانه و یا قاصرانه شده باشد. ۱

در رابطه با مسئول بودن کسی که از روی قصد موجب اضرار به دیگری می‌شود شکی نیست، ولی برای تشخیص این که چه عملی قاصرانه محسوب می‌شود، رفتار «انسان عاقل» ملاک قرار می‌گیرد که به نوعی بر عهده او یک وظیفه مراقبت قرار داده شده است که در شرایط و احوال مختلف، تفاوت پیدا می‌کند، به عنوان نمونه راننده هنگام رانندگی باید احتیاطات لازمه را به عمل آورد مثلاً در هنگام لغزنده بودن جاده احتیاطات متناسب با عمل رانندگی این است که سرعت خود را کم کند.

مبحث دوم: بررسی نقش افراد دخیل در خسارت بدنی

الف: نقش فاعل فعل زیان بار در ورود خسارات بدنی

در حقوق ایران و انگلستان هرکس عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا به هر حق دیگر که قانون برای افراد در نظر گرفته لطمه ای وارد نماید موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد. قانون مدنی، جبران خسارت را بر عهده مباشر قرار داده است بنا به ماده ۳۲۲ (ق.م.) هرگاه یک نفر سبب تلف مالی شود و دیگری مباشر تلف آن مال شود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر این که سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد. ماده ۵۲۶ (ق.م.ا) بیان می کند که «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت، بی اختیار، جاهل، صغیر، غیرممیز یا مجنون و مانند آن ها باشد فقط سبب، ضامن است». بنابراین، زیان دیده می تواند با جمع بودن شرایطی که در بالا ذکر شد ضرر وارده به خود را از فاعل زیان مطالبه کند.

ب: نقش زیان دیده در ورود خسارات بدنی

معمولاً وقتی سخن از زیان دیده به میان می آید متبادر به ذهن، شخص بی تقصیر است که در پی وقوع یک جرم از عمل زیان بار دیگری متضرر شده حال آنکه در بسیاری از موارد زیان دیده خود علت تامه و یا سبب حدوث یک واقعه زیان بار می باشد.

با توجه به رابطه سببیت، هرکس سبب ورود خسارت به دیگری شده باشد، مسئول جبران آن است. در این نظر معقول اسلام و کامن لا متفقند و از طرف دیگر موافق انصاف و عقل سلیم، طبع و ذوق آدمی نیز هست. اگر اسباب دیگر نیز حضور ظاهری داشته باشند، رشته های ارتباطی آن ها با حادثه چنان ضعیف است که عرف آن را نادیده می گیرد. در نیمه دوم قرن نوزدهم، کامن لا برای رها ساختن خود از نظریه تقصیر مشترک به نظریه آخرین فرصت که به تدریج در محاکم رشد و نمو یافته بود، مجال خودنمایی داد. مبنای این عقیده بر مسئول شناختن طرفی استوار است که فرصت ممانعت از بروز حادثه را داشته؛ یعنی اگر زیان دیده می توانسته در آخرین لحظه خود را از حادثه برهاند و چنین نکرده، هیچ حقی نسبت به غرامت نخواهد داشت.^۱

در حال حاضر تقریباً در تمام نظام حقوقی جهان، تقصیر زیان دیده رافع مسئولیت عامل زیان نیست بلکه بر حسب مورد موجب کاهش مسئولیت وی می شود. این دیدگاه در حقوق موضوعه ایران نیز قابل پذیرش است، گرچه مصادیق قاعده اقدام چه در حقوق انگلستان و چه ایران زیان دیده را از دریافت هر نوع خسارت محروم می کند، زیرا در این موارد تقصیر یا اقدام زیان دیده علت اصلی و منحصر زیان وارده می باشد.

برای این که تقصیر زیان دیده به مسئولیت عامل زیان مؤثر باشد باید اولاً زیان ایجاد شده قابل انتساب به تقصیر زیان دیده باشد و ثانیاً تقصیر عامل زیان، منشأ و محرک اقدام زیان دیده نباشد. برای مثال راننده اتومبیلی با بی احتیاطی رانندگی کند به گونه ای که اتومبیل در معرض واژگونی یا تصادف قرار گیرد و سرنشین آن برای نجات، خود را به بیرون پرت کند و صدمه ببیند. اقدام سرنشین اثری بر کاهش مسئولیت راننده ندارد و راننده مسئول خسارت وارده به زیان دیده است.

در رابطه با معیار تقسیم مسئولیت بین زیان دیده و عامل زیان، در نظام کامن لا میزان تأثیر هر یک از اسباب در وقوع خسارت، معیار تقسیم خسارت معرفی شده است؛ در حالی که در حقوق ایران، حکم به تساوی مسئولیت داده می شود و در صورتی که ثابت شود زیان دیده به همراه عامل زیان در وقوع خسارت دخالت داشته، هر یک از آن ها به طور مساوی مسئول خسارت وارده می باشند. بنابراین زیان دیده از مطالبه خسارت نسبت به نصف آن محروم می شود. پس:

جایی که زیان دیده خود سبب اصلی و منحصر ورود خسارت می باشد، محرومیت مطلق او از دریافت خسارت امری منطبق بر موازین عقلی و عدالت است. همچنین در موردی که فعل زیان دیده جزئی از ورود خسارت باشد، حقوق انگلستان با ملاک قرار دادن میزان تقصیر زیان دیده به ارزیابی درجه تأثیر فعل نام برده و در نتیجه صدور حکم به پرداخت مقداری از خسارت اولیه می نماید. در حقوق موضوعه ایران و (ماده ۱۴ (ق.م.م)) به لحاظ مداخله عاملین ورود زیان، توزیع مسئولیت به میزان اهمیت تقصیر را پذیرفته بود. در نهایت با وضع قانون مجازات اسلامی (مواد ۵۲۷ و ۵۲۸) حکم به تساوی در حقوق ایران پیش بینی شده است و با توجه به مؤخرالتصویب بودن این قانون به نظر می آید فرض قانونگذار را در ماده ۱۴ (ق.م.م) باید امری استثنایی و ناظر به مورد خاص قلمداد و حکم مجازات قانون اسلامی را در تمام مواردی که دو سبب در وقوع خسارت دخالت دارند، اعمال نمود.

بخش چهارم: نهادهای مسئول در جبران خسارت بدنی

در این بخش به بررسی نقش دولت در حقوق ایران و انگلستان و صندوق تأمین خسارت های بدنی در حقوق ایران و MIB ۱ در حقوق انگلستان می پردازیم.

مبحث اول: نقش دولت در جبران خسارت

مهمترین دغدغه خاطر بزه دیدگان جرایم، پیش از آن که اجرای مجازات بزهکار باشد، جبران خساراتی است که از رهگذر وقوع جرم متحمل شده‌اند. به همین جهت، جبران خسارت بزه دیده نقش مهمی را در سیاست جنایی داراست. با این حال عوامل مختلفی باعث شده است که دل بستن به جبران خسارت توسط بزهکار در همه موارد، امیدی خام جلوه نماید. بنابراین، ضرورت ها ایجاب نموده است تا دولت به این مهم اقدام کند. در نتیجه اصلی به نام اصل جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت که ما از آنگاه با عنوان اصل جبران دولتی خسارت یاد می‌کنیم تأسیس شده است. اهمیت این اصل از آنجا روشن می‌شود که برخی دولت ها حتی در جایی که ظواهر امر حاکی از مسئولیت داشتن آن ها در قبال خسارات اشخاص است، به بهانه‌های مختلف هم چون حاکمیتی قلمداد کردن اقدامات خویش، از جبران خسارت متضررین استکفاف کرده‌اند. اندیشه جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت، پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و آمریکای شمالی مطرح شد. البته باید به نقش شورای اروپا در تصویب «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرم های خشونت‌بار» مصوب ۲۴ دسامبر ۱۹۸۳ در استراسبورگ اشاره کرد که با ایجاد سند منطقه‌ای الزام‌آور، کشورهای عضو را تحت تأثیر خویش قرار داد. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت» را تصویب نمود و در ماده ۱۲ بر نقش دولت در زمینه جبران خسارت بزه دیده تأکید نمود. اعلامیه مزبور هر چند جنبه الزام‌آور ندارد، می‌تواند مبنایی برای شناسایی حقوق بزه دیدگان قرار گیرد. ۲

الف: نقش دولت در حقوق ایران

برای دانستن نقش دولت در حقوق ایران باید آن را از نظر فقهی مورد بررسی قرار دهیم. قاعده «لایبطل دم امرء مسلم»: قاعده هدر نرفتن خون مسلمان از زمره مهمترین قواعد باب دیات است. مراد از این قاعده آن است که اگر مسلمان محقون‌الدمی کشته شود و قاتل وی به هر علت قصاص نشود، حال یا بدان علت که قتل صورت گرفته عمدی نبوده و یا اگر هم عمدی بوده است به علت موانع ثبوتی یا اجرایی قصاص، نوبت به قصاص نرسد، در هر صورت خون وی به هدر نمی‌رود و باید دیه نفس در ازای آن پرداخت شود. از آن جا که در برخی روایات واژه «دم» بدون اضافه به کلمه ای آمده است، برخی از این قاعده به نام قاعده ارزش خون ایاد کرده‌اند؛ در روایتی صحیح، ابی‌بصیر می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره حکم مردی سؤال کردم که مردی را عمداً به قتل رسانده و سپس فرار کرده است و به او دسترس نیست. حضرت (ع) فرمودند: اگر مال دارد دیه کامل از آن گرفته می‌شود وگرنه از خویشاوندانش به نحو الاقرب فالاقرب گرفته می‌شود. اگر خویشاوندی ندارد، امام آن را می‌پردازد، زیرا خون مسلمان باطل نمی‌شود. ۲ بنابراین پرداخت دیه جرایم عمدی و شبه عمد (مانند قتل ناشی از بی‌احتیاطی در رانندگی) برعهده مرتکب جرم است ولی اگر فرار کند از مال او گرفته می‌شود و اگر مال نداشته باشد، از بستگان نزدیک او گرفته می‌شود. اگر بستگانی نداشت و یا بستگان او فاقد بضاعت مالی بودند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. هرگاه شخص یا اشخاصی در اثر ازدحام کشته شوند و یا جسد مقتولی در خیابان و اماکن عمومی پیدا شود و نتوان این قتل را به کسی منتسب کرد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. فرقی نمی‌کند که متوفی به واسطه قتل عمد کشته شده باشد یا قتل غیرعمد.

ب: نقش دولت در حقوق انگلستان

در سطح کشورها، اصل جبران دولتی خسارت ابتدا در سال ۱۹۶۳ در زلاندنو مطرح شد. انگلستان دومین کشوری بود که به این امر پرداخت. اصل مزبور در سال ۱۹۶۴ در انگلستان در قالب طرحی آزمایشی به اجرا در آمد و سیر تکاملی خاصی پیدا نمود. جبران خسارت که بر اساس یک پیش‌نویس قانون که وزارت کشور آن را تهیه کرده بود به اجرا در آمد، پس از ۲۴ سال در سال ۱۹۸۸ پارلمان در زمینه آن قانونگذاری کرد و مواد ۱۰۸ تا ۱۱۷ قانون عدالت کیفری را به آن اختصاص داد. در سال ۱۹۹۵ جبران دولتی خسارت در سیزده ماده و به شکل قانون مستقلی به نام قانون جبران صدمات کیفری ۲ به تصویب رسید که بر اساس آن طرحی در سال ۱۹۹۶ اجرا شد. در سال ۲۰۰۱ طرح جدید ۳ جایگزین طرح قبلی شد. کشورهای دیگر هم مثل فرانسه در سال ۱۹۷۷ و آلمان در ۱۹۷۶ در این زمینه اقداماتی کردند. ۴

از جمله توجهاتی که برای جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت شده است، مسأله همبستگی اجتماعی است. کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرایم خشونت‌بار بر همین مبنا در مقدمه تأکید می‌کند:

«با توجه به این که به دلیل انصاف و هم بستگی اجتماعی پرداختن به وضعیت بزه دیدگان جرم های عمدی خشونت‌بار که به آسیب بدنی یا آسیب به سلامتی دچار شده‌اند و بستگان کسانی که در پی چنین جرم هایی مرده‌اند، ضروری است...».

کشور انگلستان نیز مبنای جبران خسارت بزه دیده را به نوعی همین مبنا می‌داند. پیش‌نویس اول قانون در سال ۱۹۶۴ که مبنای طرح جبران صدمات کیفری^۶ بود اشعار می‌داشت: دولت نمی‌پذیرد که در قبال صدماتی که در اثر اعمال سایرین به افراد وارد می‌شود، مسئول باشد. با وجود این، عموم مردم نسبت به بزه دیده بی‌گناه احساس مسئولیت و همدردی^۷ می‌کنند و صحیح است که این احساس باید در مقررات جبران خسارت از طرف جامعه به صورت عملی متجلی شود.^۸

در تبیین این مبنا می‌توان چنین گفت که گرچه «همبستگی اجتماعی» بیشتر دخالت جامعه مدنی در جبران خسارت بزه دیده را تداعی می‌کند، در اصل به وظیفه دولت مربوط می‌شود. همبستگی اجتماعی آحاد مردم اقتضا می‌کند که خسارت او جبران شود. اما برای این که همه جامعه در این میان سهیم باشند، این دولت است که از محل درآمدهای عمومی و از اموالی که متعلق به همه مردم است، خسارت بزه دیده را جبران می‌نماید حال اگر بخشی از جامعه به جبران خسارت بزه دیده بپردازند، همگان در این امر سهیم نبوده‌اند و همبستگی اجتماعی صورت نپذیرفته است.^۱

از طرف دیگر صندوقی به نام صندوق جبران زیان های ناشی از عمل مجرمانه^۲ وجود دارد که طرح آن در سال ۱۹۶۴ در انگلستان تدوین شد و بهترین طرحی است که جبران خسارت را توسط دولت مقرر می‌کند. این الگو را نمی‌توان نوعی سیستم غیر تقصیر^۳ تلقی کرد. این صندوق بر اساس نقض مقررات جزایی «تجاوز» مقرر شده و بدیهی است در هر شبه جرم، تقصیر وجود دارد. از این طرح اشخاصی استفاده می‌کنند که از نظر مسئولیت مدنی استحقاق جبران زیان داشته باشند.^۴

با تحولات تازه در این صندوق در سال ۱۹۹۵ اصولی بر آن حاکم شد. از جمله طبقه‌بندی جرایم، نحوه دخالت زیان دیده در ایجاد زیان و تعیین حداکثر زیان تا سقف ۲۵۰ هزار دلار برای هر تجاوز و کل مبلغ پرداختی از صندوق تا سقف ۵۰۰ هزار دلار می‌باشد. پارلمان به صورت مستقیم بودجه آن را تعیین می‌کند و زیان دیدگان حق دارند به صورت مستقیم علیه صندوق طرح دعوا کنند تا پس از اثبات شرایط خود و بررسی دفاع صندوق در دعوا، حکم شایسته صادر شود.^۵

الف: صندوق تأمین خسارت های بدنی

صندوق تأمین خسارت های بدنی مستقر در شرکت بیمه مرکزی ایران، در اجرای ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی برای جبران زیان های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه و بطلان قرارداد بیمه و تعلیق قرارداد بیمه و تعلیق تأمین بیمه گر فرارکردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی برای جبران خسارت های خارج از شرایط بیمه نامه تأسیس می‌شود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران اداره خواهد شد.^۱

موارد ذیل از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است: ۱- خسارات ناشی از فورس ماژور از قبیل جنگ، سیل و زلزله ۲- خسارات وارده به محمولات وسایل نقلیه مورد بیمه، ۳- خسارات مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو، ۴- خسارات وارد به متصرفین غیرقانونی وسایل نقلیه یا به رانندگان فاقد گواهینامه رانندگی، ۵- خسارات ناشی از محکومیت جزایی و پرداخت جرایم، ۶- خسارات ناشی از حوادثی که در خارج از کشور اتفاق می‌افتد مگر اینکه توافقی بین بیمه گر و بیمه گذار در این موضوع شده باشد، دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مسئولیت جبران زیان دیدگان حوادث رانندگی را که مقصر آن فاقد بیمه نامه شخص ثالث، متواری و یا ناشناس باشد را بر عهده دارد.

چنانچه خسارت وارده بر اثر حادثه ای باشد که مسئول حادثه فرار کرده باشد و یا پس از تحقیقات کافی شناخته نشده باشد، زیان دیدگان می‌توانند ظرف سه ماه از تاریخ وقوع حادثه به صندوق مراجعه و با تسلیم مدارک لازم تقاضای جبران خسارت نمایند. مقامات انتظامی که به حوادث وسایل نقلیه موتوری زمینی رسیدگی می‌کنند در صورتی که متوجه شوند مسئول حادثه فاقد بیمه نامه شخص ثالث است یا در مواردی که مسئول حادثه فرار کرده یا شناخته نشده باشد، موظفند يك نسخه از صورت مجلس و گزارش فنی خود را در مورد حادثه برای اطلاع صندوق ارسال دارند. صندوق تأمین پس از دریافت درخواست غرامت زیان دیدگان و وصول پرونده خسارت و اطلاعیه بیمه گر در مورد رد مطالبه خسارت زیان دیدگان و مدارک و اسناد لازم دیگر مدارک و اسناد واصله را مورد رسیدگی قرار می‌دهد و با توجه به مقررات این آیین نامه نسبت به پرداخت خسارت اقدام می‌کند. این صندوق که فقط موظف به جبران خسارت های بدنی است، برای جبران این خسارت، يك سقف تعهد دارد که براساس مصوبات هیأت وزیران این سقف تعهد تغییر می‌کند.

در صورتی که زیان دیدگان از مراجع دیگری مانند سازمان بیمه های اجتماعی یا سازمان بیمه کارمندان دولت یا صندوق های ویژه جبران خسارت غرامت دریافت نمایند، صندوق غرامتی نخواهد پرداخت و هیچ يك از بیمه گران و سازمان های بیمه ای و

صندوق های ویژه جبران غرامت، حق مراجعه و تقاضای استرداد خسارت پرداخت شده به اشخاص ثالث را از صندوق تأمین خسارت های بدنی ندارد.

ب: صندوق موسوم به Motor Insurer's Bureau (MIB)

در حقوق انگلستان نهادی تحت عنوان MIB در سال ۱۹۴۵ با قانون (Contributory Negligence) Act ۱۹۴۵ تأسیس شده که «دفتر بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری» ترجمه می‌شود. فلسفه تأسیس این نهاد حمایت از قربانیان و زیان‌دیدگان حوادث جاده‌ای است؛ زیرا به رغم وجود بیمه اجباری، مواردی پیش می‌آید که زیان‌دیدگان حوادث جاده‌ای عملاً از جبران خسارت محروم می‌مانند. لذا این نهاد برای جبران مطمئن‌تر خسارت این‌گونه اشخاص به وجود آمده است.

برای این که از متقاضی مطالبه خسارت، جبران خسارت شود و مبلغ مورد نظر به وی پرداخت شود، باید شرایطی مهیا شود که عبارتند از: این که اولاً متقاضی می‌بایست قادر به تعقیب و دنبال کردن شخص مسئول حادثه و زیان‌زننده نباشد. ثانیاً صدمه یا خسارت ایجاد شده باید در شرایط و اوضاع و احوالی به وجود آمده باشد که طی آن با بررسی احتمالات بتوان راننده فراری را مسئول و مقصر خسارت وارده به زیان‌دیده به شمار آورد. ثالثاً خسارت یا صدمه ایجاد شده از جمله مسئولیت‌هایی باشد که طبق قانون حمل و نقل جاده‌ای مصوب ۱۹۸۸، می‌بایست به طور اجباری مورد بیمه واقع می‌شد. رابعاً صدمه یا خسارت ایجاد شده نباید به صورت عمدی و ناشی از سوء قصد باشد.^۱

در صورتی که تقاضای مطالبه از سوی متقاضی در یکی از شرایط و اوضاع و احوال ذیل درخواست شود، این موافقت نامه در مورد آن اعمال نمی‌شود و خسارتی از جانب MIB پرداخت نمی‌شود. تمامی این موارد استثناً در ماده ۵ موافقت نامه آمده است: اولاً در جایی که هیچ دعوی راجع به مرگ یا صدمه بدنی مطرح نشده است و فقط خسارت به اموال وارد شده و خود وسیله نقلیه ناشناخته باشد، در این صورت موافقت نامه رانندگان ناشناخته، در مورد آن دسته از دعاوی و خسارات مالی اعمال نمی‌شود. ثانیاً دعاوی برآمده از وسایل نقلیه‌ای که تحت تصرف یا مالکیت پادشاهی یا دولت بریتانیا باشد. ثالثاً دعاوی مربوط به تروریسم نباشد. رابعاً دعاوی برای جبران غرامت از خسارت سرنشین وسیله نقلیه‌ای که آن وسیله بیمه‌نامه نداشته است و متقاضی می‌دانسته یا می‌بایست می‌دانست که آن وسیله نقلیه فاقد پوشش بیمه‌ای بوده است. خامساً این خسارت در جایی قابل پرداخت است که متقاضی هیچ زیان مالی و مادی متحمل نشده یا به طریقی از زیان وارده به وی جبران خسارت شده باشد پس MIB نسبت به زیان‌های معنوی هیچ مسئولیتی ندارد و در مواردی که زیان وی به طریقی جبران گردد، این مسئولیت از عهده صندوق خارج می‌شود. سادساً در مواردی که مدعی یا متقاضی می‌دانسته که وسیله نقلیه‌ای که وی سرنشین آن است سرقتی بوده یا برای استفاده جهت ارتکاب جرم یا برای فرار و گریختن از یک توقیف قانونی به کار رفته است.^۲ اثبات علم و اطلاع متقاضی از موارد فوق بر عهده MIB است.

در مواردی که حادثه به وجود آمده ناشی از تقصیر دو شخص یعنی یک شخص شناخته شده و یک شخص ناشناخته و فراری می‌باشد، سقف مسئولیت MIB تا حد مسئولیت شخص ناشناخته می‌باشد و متقاضی موظف است که علیه شخص و متخاطی شناخته شده در دادگاه اقامه دعوی نماید و علیه وی حکمی تحصیل نماید. حال اگر طی سه ماه از این حکم تحصیل شده هیچ مبلغی به زیان دیده پرداخت نشده باشد، مسئولیت MIB برابر با همان سهم راننده مقصر ناشناخته از کل مبلغ خسارت خواهد بود و اگر طی سه ماه فقط قسمتی از مبلغ حکم تحصیل شده جبران شده باشد، مبلغ پرداختی توسط MIB، هر کدام از دو مبلغ که بیشتر باشد خواهد بود. این دو مبلغ عبارتند از بخش جبران نشده حکم صادره و سهم شخص راننده فراری.

اگر متقاضی علیه مقصر شناخته شده حکمی نسبت به مرگ، صدمه بدنی یا خسارات مالی تحصیل ننموده باشد و هیچ مبلغی هم به عنوان جبران خسارت از چنین شخصی دریافت نکرده باشد، در این صورت MIB مبلغی معادل مسئولیت شخص فراری و ناشناخته به متقاضی خواهد پرداخت و در نهایت اگر علیه شخص مقصر شناخته شده حکمی تحصیل کرده باشد و وی فاقد پوشش بیمه‌ای باشد، مفاد موافقت نامه اول مربوط به رانندگان بیمه نشده در مورد وی اعمال خواهد شد.^۱

طرح دعوی و مطالبه خسارت باید در یک محدوده زمانی معین ارایه شود. نسبت به دعاوی ناشی از مرگ و صدمات بدنی، این دعوی و تقاضا باید طی سه سال از زمان تصادف و نسبت به دعاوی راجع به خسارت مالی، طی نه ماه از زمان رخداد حادثه و ایجاد خسارت مطرح شود. این محدودیت زمانی نسبت به مرگ و صدمات بدنی و خسارت مالی به طور جداگانه اعمال می‌شود. البته در مواردی که نمی‌توان از متقاضی به طور متعارف انتظار داشت که از خسارت ایجاد شده مطلع شده باشد، در این صورت تقاضای وی به محض اطلاع وی از این که خسارت ایجاد شده، درخواست می‌شود؛ ولی در این حالت نیز محدوده زمانی راجع به مرگ و صدمات بدنی، پانزده سال و نسبت به خسارت‌های مالی دو سال بعد از رخداد حادثه است و نمی‌تواند فراتر از این محدوده زمانی تقاضایی داشته باشد.

در این موافقت نامه یک مهلت دیگر وجود دارد و آن این که متقاضی موظف است بعد از رخداد حادثه و تصادف، آن را به پلیس محل تصادف اطلاع دهد و این محدوده زمانی نسبت به دعوی راجع به مرگ و صدمات بدنی، چهارده روز بعد از ایجاد حادثه و نسبت به دعوی راجع به خسارات مالی، ۵ روز بعد از حادثه مورد نظر می‌باشد. این مدت در مواردی که نمی‌توان به طور متعارف انتظار این را داشت که طی زمان مقرر آن را اطلاع دهد، اعمال نمی‌شود.^۱

نتیجه گیری

با توجه به دغدغه مهم قانونگذاران در جبران خسارت بدنی و نتیجتاً جبران آسیب های مالی و غیرمالی مربوطه و پذیرش اصل لزوم جبران کامل خسارات، در صورت ناتوانی عامل ورود زیان و یا عدم شناسایی او دولت ها نیز حظی در امر جبران خسارات به عهده گرفته اند. این سهم از مسئولیت دولت در حقوق ما در قالب دیه از بیت المال قابل پرداخت است، و در نظام حقوقی انگلستان نیز، دولت با توجه به نظریه همبستگی اجتماعی، از محل درآمدهای عمومی جبران می نماید.

جبران خسارت بدنی معمولاً از طریق پرداخت پول صورت می گیرد، اما عملکرد یکسانی برای جبران این خسارات در حقوق دو کشور ایران و انگلستان دیده نمی شود. در قوانین کیفری در مورد ایراد خسارات بدنی و جانی، مبلغی با توجه به نوع و شدت خسارت وارده به عنوان دیه تعیین شده، و در قوانین مدنی نیز قانون مسئولیت مدنی جبران ضرر و زیان بدنی را در طیف وسیعی از خسارت (خسارت معنوی و خسارت از کارافتادگی و خسارت ناشی از درمان) به رسمیت می شناسد. اما با توجه به این که در برخی فروض دیه تمام خسارت و هزینه های درمانی را پوشش نمی دهد، ثابت دانستن میزان خسارات در قالب دیه به نظر منطقی نمی نماید؛ امری که مطالبه خسارت مازاد بر دیه را توجیه می نماید. اما به نظر می رسد، جمع عنوان دیه و خسارت با مانع قانونی مواجه باشد و لذا اعتقاد نویسندگان بر آن است که به مجنی علیه این حق انتخاب دریافت یکی از دو عنوان دیه و مبلغی که قاضی با جلب نظر کارشناس به عنوان خسارت معین می کند را اعطا نمود. بدیهی است چنان چه عنوان خسارت مورد مطالبه مجنی علیه باشد، کل خسارات اعم خسارات بدنی، خسارت معنوی، خسارت از کارافتادگی و خسارت ناشی از درمان نیز می تواند در ضمن این عنوان پوشش داده شود.

اما در حقوق انگلستان انواع خسارت های معنوی و مادی ناشی از خسارات بدنی قابل جبران است اما پذیرش مبلغ معین و از پیش تعیین شده در حقوق این کشور جایی ندارد و جای خود را به ارزیابی موردی خسارت جانی داده که تعیین میزان آن براساس سن، موقعیت اجتماعی، ویژگی های زیان دیده و اوضاع و احوال هر مصدوم توسط کارشناس تعیین می شود و هنوز معیار مشخص و معینی برای جبران این خسارات در نظر گرفته نشده و سبب شده که در موارد مشابه آرای متفاوتی صادر شود. البته هر چند تامین عدالت واقعی در این جهان در هیچ نظام حقوقی امکان پذیر نیست.

منابع

۱. آشوری، دکتر محمد، عدالت کیفری در حقوق جزای اسلام، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶
۲. اراکی، آیت... محمدعلی، استعانت از محضر آیت... حاج شیخ محمدعلی اراکی، نشر معروف، قم، چاپ اول، سال ۱۳۷۳

۳. امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، نشر اسلامیه، سال ۱۳۸۳
۴. بابایی، دکتر ایرج، جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲۸، بهار ۱۳۸۹
۵. بابایی، دکتر ایرج، حقوق بیمه، انتشارات سمت، چاپ دهم، سال ۱۳۳۱
۶. پروین، دکتر فرهاد، خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۰
۷. حاجی ده آبادی، احمد، نشریه فقه و حقوق، از میزان خسارت بزه دیده توسط بز هکار تا میزان خسارت توسط دولت، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۵
۸. حر عاملی، شیخ محمد بن حسین، وسائل الشیعه، جلد ۱۹، انتشارات اسلامیه، قم، چاپ ششم، ۱۳۶۷
۹. خدا بخشی، عبد...، بطلان رویه قضایی و رویه قضایی باطل، نشریه تازه های جهان بیمه، فروردین ۱۳۳۱، شماره ۳۲
۱۰. سلطانی نژاد، دکتر هدایت...، مسئولیت مدنی خسارت معنوی، چاپ اول، تهران، انتشارات نور الثقلین، ۱۳۸۰
۱۱. صفایی، سید حسین، ترجمه و تلخیص «درآمدی بر حقوق تطبیقی دو نظام بزرگ حقوقی معاصر» نوشته داوید رنه و کامی ژوفره اسپینوزی، نشر میزان، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۸۱
۱۲. عابدینی، احمد، قاعده ارزش خون انسان، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۰، سال یازدهم، تابستان ۱۳۸۳
۱۳. عباسلو، دکتر بختیار، مسئولیت مدنی (با نگرش تطبیقی)، چاپ اول، نشر میزان، تهران، زمستان ۱۳۹۰
۱۴. عبدی مصباح، یونس، دفتر بیمه گران وسایل نقلیه موتوری در حقوق انگلستان، نشریه تازه های جهان بیمه، شماره ۱۱۶، ۱۳۸۶
۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، الزامات خارج از قرارداد، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۴
۱۵. کاظمی، محمود، اثر فعل زیانده بر مسئولیت مدنی عامل زیان، بر گرفته از سایت: www.maavanews.ir
۱۶. معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات سی گل، جلد دوم، ۱۳۳۲، ه تا خ تعریف و اژه خسارت
۱۷. مکارم شیرازی، آیت... ناصر، مجموعه استفتائات جدید، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات مدرسه الامام علی (بن ابیطالب)ع

۱. CAMPBELL BLACK, Henry, Black's Law Dictionary, ۷th Edition, West Publishing Co., ۱۹۸۳

۲. COOKE, John, Law Of Tort, ۴th Edition, Financial Times Management, ۱۹۹۹

۳. EMMET, David, Remedies, Oxford University Press, London, ۲۰۰۷

۴. HARPWOOD, Vivienne, Modern Tort Law, ۶th Edition, Cavendish Publishing Limited, London, ۲۰۰۳

۵. LUNNEY, Mark & OLIPHANT, ken, Tort Law: Text And Materials, Oxford University Press, London, ۲۰۰۰

۶. MARKESINIS Basil, COESTER Michael, ALPA Guldo, ULISTEIN Augustus, Compensation for Personal Injury in English, German & Italian law (A comparative Outline), Cambridge University Press, ۲۰۰۵

۷. ROGERS, W.V.H., Winfield And Jolowicz On Tort, ۱۴th Edition, Sweet & Maxwell, London, ۱۹۹۴

.^The Law Commission, Consultation Paper, Damages For Personal Injury, Non-pecuniary Loss, N.14, London, 1996

.^TREITEL, G.H., The Law Of Contract, 9th Edition, Sweet & Maxwell/ Stevens & Sons, London, 1990

.10 VANDAM, Cees, European Tort Law, 1st Edition, Oxford University Press, London, 2006

.11 Winfeld and Jolowicz on Tort, 14th edition Sweet & Maxwell 1994